



مقدمه:

بر حکومت دینی لازم است با تقویت رسانه دینی در مقابل تهاجم فرهنگی بایستد. رسالت امروز ما این است که به وسیله رسانه دینی به عقاید خرافی و باطل کفار هجوم نماییم و با رسانه دینی از دین دفاع کنیم.

دلیل سوم وجوب تأسیس رسانه دینی : (ادله وجوب دفاع از دین)

ادله وجوب دفاع از دین و کیان مسلمین در کتاب جهاد مورد بحث قرار گرفته است و در کتاب جهاد بحث جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی مطرح می شود و گاهی از آن به دفاع از اسلام و مسلمین تعبیر می شود. در بحث جهاد ما دو گونه جهاد داریم، یکی جهاد ابتدایی و دیگری جهاد دفاعی. در اینکه هر دوی این جهادها واجب است تردیدی نیست. اما در جهاد ابتدایی نظر مشهور بر این است که اذن امام معصوم شرط است و این شرط در جهاد دفاعی نیست.

در دفاع که چه دفاع از دین باشد یا از سرزمین و یا دفاع از حاکمیت و حتی دفاع از ناموس و یا جان خود انسان، هیچ یک از فقهاء نگفته اند که اذن امام و یا فقیه شرط است. بنابراین کبرای قضیه امری مسلم است. در ادله جهاد هم آیات هست و هم روایات متواتر، ما در اینجا آن ادله را مفروض و مسلم گرفته ایم و دیگر بحث نمی کنیم.

جهاد ابتدایی این است که مسلمانان به گروهی از کفار حمله کنند که این گروه قصد حمله به مسلمین را ندارند اما این حمله نیاز به اذن معصوم علیه السلام دارد؛ لذا فقها در جهاد ابتدایی شرطی را مطرح می کنند که در جهاد دفاعی و دفاع از اسلام و مسلمین این شرط وجود ندارد و آن شرط اذن پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام است؛ اما در جهاد دفاعی که واجب است مسلمانان در مقابل دشمنان از کیان اسلام و مسلمین دفاع نمایند و حتی اگر آنها به تنهایی نتوانند بر دیگر مسلمین نیز واجب می شود که به آنها کمک نمایند و از تمامیت ارضی، جان و ناموس آنان دفاع نمایند. این نکته ای کلی بود که اشاره شد ولی جهت تبیین فقه رسانه نیازمند به بعضی از ادله فقهی از کتب مختلف می باشیم که در جای خود باید بررسی شود.

تهاجم دشمنان اسلام گاهی نظامی و گاهی فرهنگی است؛ ما نمی توانیم بگوییم که دشمن فقط جنگ نظامی انجام می دهد بلکه در همه ازمه جنگ نرم (جنگهای عقیده ای، اعتقادی و فرهنگی) قبل از جنگ نظامی صورت می گیرد، زیرا باید آن جامعه را به وسیله تهاجم فرهنگی از درون تهی کند و اعتقادات و فرهنگ دینی مردم را سلب کند تا براحتمی بتواند پیروز شود که نمونه آن در صدر اسلام توسط مشرکین قابل مشاهده است و نسبت های دروغ و تبلیغات گسترده ای که علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشتند، از این قبیل است و حتی تبلیغ می کردند که صدای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به گوششان نرسد.



امروزه سبک کار تغییر نکرده است و در ابتدا همه دشمنان به جنگ فرهنگی روی آورده اند؛ مانند کاری که غرب با شوروی سابق انجام داد و به جنگ ایدئولوژی با آنان آمدند و زمانی که موفق نشدند، راه کارهای دیگری را انجام دادند که نمونه آن تغییر سبک زندگی مردم به شیوه های غربی بود که به سقوط و فروپاشی آنان منجر شد.

نکته :

دفاع در اسلام اختصاص به دفاع از نظام ندارد بلکه دفاع فرهنگی را هم شامل می شود نیاز به بحث دارد. و باید به این نتیجه برسیم که دفاع فرهنگی نیز از مصادیق جهاد دفاعی است. در تهاجم فرهنگی دفاع از عقیده، ایمان مردم و فرهنگ دینی از دفاع از ناموس، دفاع از خاک و سرزمین مهمتر و بالاتر است. لذا اگر بگوییم وجوب جهاد دفاعی، مصداق اقوی و ابرز دفاع از دین است حرفی کاملا منطقی و فقهی است.

اگر دفاع از جان یک مسلمان و کیان حکومت اسلامی جهاد دفاعی است، چون شهر، شهر اسلامی و دینی است. پس زمانی که تهاجم دینی شد، دفاعش مهمتر خواهد بود.

ویژگی ها و مؤلفه های جنگ نرم و جنگ رسانه ای

۱. از ویژگی های جنگ نرم چون شبیخون است، نامحسوس بودن و پنهان بودن است. چراکه درجنگ سخت به محض حمله از سوی دشمن، ما متوجه شده و می توانیم عکس العملی نشان دهیم، اما در جنگ نرم بعد از سالیان دراز شبیخون فرهنگی هنوز خیلی ها خوابند.
۲. همچنین آسیب جنگ نرم خیلی بیشتر و شدیدتر از جنگ سخت است. درجنگ سخت دشمن مناطقی را اشغال کرده و تخریب می کند و ما بعد از اتمام نبرد در یک فرایند مشخص سازندگی را آغاز و به اتمام می رسانیم، اما در جنگ نرم افراد برای همیشه نابود می شوند و از مسیر الهی خارج می گردند.
۳. همچنین فراخوان و سازماندهی کردن فرماندهان و سربازان در جنگ سخت خیلی زود و سریع محقق می شود اما در جنگ نرم این امکان وجود ندارد.
۴. پس دفاع در جنگ نرم و در دوران تهاجم فرهنگی سخت تر و دشوارتر است و اهمیت آن بیشتر است و البته این گونه دفاع واجب تر می شود از دفاع در جنگ سخت، چون تخریب نبرد فرهنگی بیشتر از جنگ سخت است.



نکته:

در روایات اسلامی از علماء به نگهبانان دین و مرزبانان فرهنگی نام برده شده است چراکه دفاع از مرزهای عقیدتی و فرهنگی می کنند.

جنگ نرم مقدمه موفقیت در جنگ نظامی

در جنگ نرم نیاز به قدرت نرم است که برخاسته از قدرت دانش، علم، اعتقادات، باورها و آداب و فرهنگ قوم خاصی است و اگر دید حاکمیتی داشته باشیم، اولین منبع «قدرت نظامی»، دومین منبع «قدرت سیاسی» و سومین منبع «قدرت فرهنگی» است که زاینده از دانش بومی است و اعتقادات فرهنگ یک ملت است و در درجه چهارم «قدرت اطلاعاتی» است.

امروزه تمام اطلاعات و داده هایی که شما به اینترنت می دهید، در سرور اصلی قرار می گیرد و هیچ گاه پاک نمی شود و این قدرت اطلاعاتی استکبار است که بر اساس همین قدرت، تمامی مسائل جاسوسی را از تمام جهان استفاده می کند.

امروز رسانه ابزار جنگ فرهنگی شده است و متأسفانه تخریب آن بیشتر از ابزارهای نظامی است؛ زیرا ممکن است در جنگ نظامی بعد از شکست به پیروزی دست یافت و خرابی ها را آباد کرد ولی در جنگ فرهنگی ممکن است تا چندین نسل آسیب ببیند و نتوان این تهاجم فرهنگی را تا سالیان طولانی بازسازی نمود.

مشخصات تهاجم فرهنگی

۱. تهاجم فرهنگی آرام و بی سرو صدا می آید و مانند جنگ نظامی نیست
۲. برای اکثریت مردم نامرئی و نامحسوس است و باید مرتباً تذکر داد تا مردم متوجه شوند، در حالی که در جنگ نظامی همه مردم به سرعت متوجه می شوند؛ این است که دلسوزان نظام مرتب فریاد می زنند و آن را تشبیه به «شیخون فرهنگی» نموده اند

ما تا زمانی که هجوم را لمس نکنیم درصدد دفاع بر نمی آییم.

حال که هزاران رسانه درست شده است و ما متوجه ضرر شده ایم، باید از همان ابزار برای دفاع استفاده کنیم و این رسالت ماست که به عقاید خرافی و باطل کفار هجوم نماییم و نهی از منکر نماییم که در فصل های آتی به بررسی محتوایی این امر مهم نیز خواهیم پرداخت.



پس همان طور که لازم است قدرت و تکنولوژی نظامی را بالا ببریم تا دشمن هوس تهاجم نداشته باشد؛ می بایست همین مقوله را در فضای فرهنگی نیز قائل باشیم بلکه بحث ما این است که دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی واجب بلکه اوجب است.

نکته :

ابزار تهاجم فرهنگی بسیار گسترده تر از تهاجم نظامی است و گستره آن بسیار بیشتر است . در حمله نظامی شهر به شهر باید جلو آمد و سختی های خاص خود را دارد ولی در تهاجم فرهنگی کسی نمی تواند برای کشور خودش مرزی داشته باشد زیرا دسترسی به ابزارها و رسانه هایی مانند اینترنت و شبکه های ماهواره ای گسترش روزافزون پیدا کرده است و الان تمام رسانه های ماهواره ای و اجتماعی در دست دشمنان بالخصوص آمریکایی ها و صهیونیست هاست و قریب به چهار هزار شبکه را از طریق ماهواره می توان در ایران دریافت کرد که شاید یک پانصدم آن دینی باشد.

دفاع نرم افزاری در مقابل تهاجم فرهنگی

امروزه دیگر امکان ندارد که با روش سخت افزاری جلوی این پیشرفت ماهواره ای را گرفت، حتی روی گوشی های موبایل نیز این موارد قابل استفاده است و خود ایران نیز از این کشورها ماهواره و پهناهای باند اجاره می کند تا بتواند برنامه دینی داشته باشد. پس لازم است به تهاجم فرهنگی دشمن چون باطل است، تهاجم داشته باشیم و در بحث محتوا تا دشمن القای شبهه نکرده است دفاع ما معنایی ندارد؛ زیرا ممکن است اشاعه فحشا و القای شبهه صورت بپذیرد.

نکته :

ما باید در بحث محتوا تا می توانیم جامعه را از لحاظ فکری غنی نماییم و به آن «تبلیغ معارف» می گوئیم و این امر با مقوله دفاع متفاوت است.